پرونده ویژه

ی گفتمان مبارزاتی امام خمینی(ره)

ق روح‌الله

این بستر، امام‌خمینی(ره) با تلفیق اصول قرآنی، سیره نبوی و علوی، عقلانیت فلسفی و تحلیل دقیق شرایط ژئوپلیتیک، گفتمانی را بنیان نهادند که هویت دینی، خودباوری ملی و مقاومت فعال را احیا کرد. این اندیشه، با تأکید بر عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و دفاع از مظلومان، به الگویی فراگیر برای مبارزه با سلطه جهانی تبدیل شد. به‌مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام‌خمینی(ره)، این پرونده با رویکردی علمی- تحلیلی، به بررسی ریشه‌های نظری، نقش انقلاب اسلامی، تأثیرات جهانی، تداوم این اندیشه و چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی آن می‌پردازد.

تحت ستم در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، به‌عنوان نمادی از امکان‌پذیری تغییر شناخته شد.

صدور پیام انقلاب به مستضعفان عالم

امام‌خمینی(ره) مفهوم «صدور انقلاب» را مطرح کردند که به معنای انتقال پیام مقاومت، عدالت‌خواهی و استقلال به دیگر ملت‌ها بود. این مفهوم، نه به دخالت نظامی، بلکه به بیداری فکری و سیاسی جوامع اشاره داشت. ایشان در سخنرانی‌های خود تأکید کردند که انقلاب اسلامی متعلق به همه مستضعفان جهان است و باید پیام آن به گوش همه ملت‌های تحت ستم برسد. این ایده، در کشورهای اسلامی مانند لبنان، فلسطین، عراق، یمن و... بازتاب یافت. برای مثال، در لبنان این اندیشه به شکل‌گیری حزب‌الله و نیرویی مقاوم در برابر اشغالگری اسرائیل تبدیل شد. در فلسطین، گروه‌های مقاومت از این تفکر الهام گرفتند و در عراق، مبارزان علیه رژیم بعث و اشغالگران، انقلاب اسلامی را سرمشق قرار دادند. از منظر روابط بین‌الملل، صدور انقلاب به تغییر معادلات ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه منجر شد و گفتمان ضداستکباری را به یک نیروی تعیین‌کننده تبدیل کرد. شعار «نه شرقی، نه غربی» به نمادی از رد هژمونی جهانی و ترویج استقلال‌طلبی بدل شد.

شکل‌گیری گفتمان مقاومت

انقلاب اسلامی، گفتمان مقاومت را به یک جریان سیاسی-دینی نظام‌مند تبدیل کرد. امام خمینی(ره) با تبیین مفهوم «اسلام ناب محمدی» در برابر «اسلام آمریکایی»، چارچوبی نظری برای مبارزه با سلطه ارائه کردند. اسلام ناب محمدی به‌عنوان یک جریان اصیل، انقلابی و عدالت‌خواه، بر اصول ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومان و وحدت امت اسلامی استوار بود. در مقابل، اسلام آمریکایی، به گفته امام، نسخه‌ای تحریف‌شده و سازش‌کار بود که از سوی قدرت‌های استکباری برای تضعیف اسلام ترویج می‌شد. این دوگانه‌سازی، از منظر نشانه‌شناسی سیاسی، به بازتعریف هویت اسلامی و مقاومتی منجر شد. امام خمینی(ره) با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، اختلافات مذهبی را به حاشیه راندند و دشمنان مشترک، یعنی استکبار و صهیونیسم را هدف قرار دادند. این گفتمان، از منظر علوم سیاسی، مقاومت را از یک مفهوم محلی به یک پارادایم جهانی ارتقا داد و زمینه را برای شکل‌گیری جنبش‌های مقاومتی در سراسر جهان فراهم کرد.

امام راحل مسأله فلسطین را به‌عنوان مسأله محوری جهان اسلام معرفی کردند. ایشان با صدور فتوای استفاده از وجوهات شرعی برای حمایت از مبارزان فلسطینی، این موضوع را در کانون توجه مسلمانان قرار دادند و روابط پنهان رژیم پهلوی با اسرائیل را افشا کردند و رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک غده سرطانی و خطری برای بشریت توصیف کردند. این موضع، از منظر تحلیل گفتمان، هویت مقاومتی فلسطینیان را تقویت کرد. گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شکل گرفتند، از اندیشه امام الهام گرفتند و مقاومت مسلحانه را در برابر اشغالگری اسرائیل پیش بردند. ابتکار نامگذاری آخرین جمعه ماه رمضان به‌عنوان «روز قدس» از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، یک استراتژی موفق برای جهانی‌سازی مسأله فلسطین بود که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان به حمایت از این آرمان ترغیب کرد.

همچنین اندیشه امام خمینی(ره) نقش محوری در تأسیس حزب‌الله لبنان داشت. این جنبش، که در دهه ۱۹۸۰ با الهام از انقلاب اسلامی شکل گرفت، به نیرویی تعیین‌کننده در برابر اشغالگری اسرائیل و هژمونی غرب تبدیل شد. از منظر مطالعات استراتژیک، حزب‌الله با تکیه بر اصول ظلم‌ستیزی، روحیه جهادی و فرهنگ شهادت، توانست در جنگ‌های متعدد، از جمله جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶، اسرائیل را به عقب براند. این موفقیت، الگویی برای دیگر جنبش‌های مقاومتی شد و هویت سیاسی و اجتماعی شیعیان لبنان را احیا کرد.

جنبش انصارالله یمن هم از اندیشه مقاومت امام خمینی(ره) برای ایستادگی در برابر تهاجم ائتلاف سعودی-غربی الهام گرفت. این گروه، با تکیه بر اصول استقلال‌طلبی و ظلم‌ستیزی، به نیرویی مؤثر در منطقه تبدیل شد. در بحرین، سوریه و دیگر مناطق، گروه‌های مقاومتی نیز از این اندیشه برای مبارزه با ستم و اشغالگری بهره بردند.

اندیشه مقاومت امام خمینی(ره) فراتر از جهان اسلام، بر جنبش‌های آزادیبخش در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا تأثیر گذاشت. در آفریقا، ملت‌هایی که تحت سلطه استعمار اروپا بودند، از الگوی انقلاب اسلامی برای مبارزه با نظام‌های استعماری الهام گرفتند. در آمریکای لاتین، رهبرانی مانند هوگو چاوز در ونزوئلا، انقلاب اسلامی را نمادی از ایستادگی در برابر امپریالیسم آمریکا دانستند. از منظر نظریه علم روابط بین‌الملل، این اندیشه گفتمان ضداستکباری را در سطح جهانی تقویت کرد و نشان داد که مقاومت در برابر هژمونی، برای هر ملتی که دنبال عدالت و استقلال است، ممکن و ضروری است.

ده‌ها سال بعد انقلاب اسلامی به‌عنوان یک پارادایم جدید، موج بیداری اسلامی را در شمال آفریقا و خاورمیانه برانگیخت. جنبش‌هایی که در دهه ۲۰۱۰ به «بهار عربی» معروف شدند، ریشه در بیداری اسلامی داشتند که امام خمینی(ره) آن را پایه‌گذاری کردند. این جنبش‌ها، نظام‌های وابسته به غرب را در تونس، مصر، لیبی و یمن به چالش کشیدند و نشان دادند که ملت‌ها می‌توانند با اراده جمعی، ساختارهای قدرت را تغییر دهند.

اندیشه مقاومت در عصر کنونی

پس از رحلت امام خمینی(ره)، رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اندیشه مقاومت را با رویکردی نظام‌مند بسط دادند. ایشان با تبیین نظام مردم‌سالاری دینی، نقش محوری مردم را در پیشبرد اهداف مقاومتی برجسته کردند. این نظام، تلفیقی از مشارکت مردمی و اصول دینی بود که الگویی بدیل برای دموکراسی غربی ارائه کرد. آیت‌الله خامنه‌ای ابعاد چندگانه مقاومت را به مسائل راهبردی دیگر تسری دادند:

مقاومت فرهنگی به‌مثابه مقابله با تهاجم فرهنگی غرب و حفظ هویت اسلامی، مقاومت اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی برای خودکفایی و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی، مقاومت سیاسی برای حفظ استقلال در برابر فشارهای بین‌المللی و مقاومت اجتماعی به معنای تقویت وحدت و انسجام اجتماعی برای خنثی کردن توطئه‌های تفرقه‌افکن در دوره زعامت ایشان به‌جد مورد توجه قرار گرفت. تحت رهبری ایشان، جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا به یک نیروی منسجم و استراتژیک تبدیل شد که معادلات قدرت را تغییر داد و توانست به‌خوبی قدرت اسلام ناب را در جهان نشان دهد. این رخداد تاریخی به پشتوانه اندیشه امام خمینی(ره) به ایجاد شبکه‌ای منسجم از گروه‌های مقاومت منجر شد. این شبکه که از غزه تا ایران، لبنان، یمن و عراق امتداد دارد، زنجیره‌ای از مقاومت فعال را تشکیل داده است. حزب‌الله لبنان با ایستادگی در برابر اسرائیل، انصارالله یمن با مقاومت در برابر ائتلاف سعودی و صهیونیست‌ها، گروه‌های فلسطینی مانند حماس با مبارزه علیه اشغالگری و حشدالشعبی عراق در مقابله با تروریست‌های تکفیری و آمریکایی‌ها نمونه‌هایی از این شبکه هستند. این اتحاد، قدرت چانه‌زنی جبهه مقاومت را در برابر قدرت‌های هژمونیک افزایش و نشان داده که همکاری فراملی می‌تواند توازن قوا را به نفع مستضعفان تغییر دهد.

اندیشه مقاومت، موج اسلامگرایی را در غرب تقویت کرد و جنبش‌های دانشجویی علیه اسرائیل را در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا برانگیخت. این حرکت‌ها که در دهه‌های اخیر شدت گرفته، آگاهی جهانی را نسبت به ظلم‌های صهیونیسم افزایش داده است. به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط برخی کشورهای اروپایی، نتیجه مستقیم فرآیند مقاومت است که ریشه در اندیشه امام خمینی(ره) دارد.

راه امام زنده است

امام خمینی(ره) با احیای روح مقاومت، ایثار و شهادت، نگاهی بی‌بدیل برای مبارزه با ظلم، استبداد و استکبار ارائه کردند. اندیشه ایشان که ریشه در تعالیم قرآنی، سیره اهل بیت(علیهم‌السلام)، عقلانیت فلسفی و تحلیل شرایط ژئوپلیتیک داشت، گفتمانی جامع و چندبعدی را شکل داد. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به‌عنوان نقطه عطفی تاریخی، این گفتمان را به یک جریان جهانی تبدیل کرد و ملت‌ها را به خودباوری، استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی رساند. این اندیشه در عصر کنونی با هدایت رهبر معظم انقلاب و شبکه‌سازی جبهه مقاومت، همچنان پویا و اثرگذار است. با وجود چالش‌هایی مانند تفرقه، اسلام‌هراسی و فشارهای اقتصادی، فرصت‌های بزرگی برای گسترش این گفتمان وجود دارد. تداوم اندیشه مقاومت امام خمینی(ره)، نویدبخش آینده‌ای است که در آن جوامع به عدالت، استقلال و سعادت دنیوی و اخروی دست یابند.

امام و تحول بزرگ تاریخی در ایران

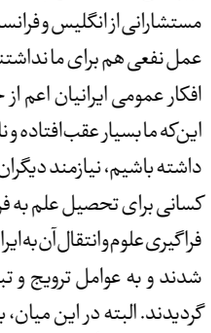

مسعود رضائی
تحلیلگر مسائل سیاسی

شناخت امام خمینی(ره) وقتی صورت خواهد گرفت که شناخت درست و جامع و کاملی از رژیم پهلوی داشته باشیم؛ رژیمی که اگر بگوییم تا مغز استخوان وابسته به بیگانه بود، واقعا سخنی به گزاف نگفته‌ایم اما نکته جالب اینجا بود که رژیم پهلوی نه‌تنها از این وابستگی عمیق احساس شرم و سرخوردگی نمی‌کرد بلکه از این بابت بسیار هم مفتخر بود و به خود می‌بالید. علتش هم این بود که عمیقا اعتقاد داشت در دنیای حاضر بدون وابستگی به یک قدرت بزرگ امکان رشد و ترقی و توسعه برای کشوری مثل ایران وجود ندارد. در چارچوب فکری پهلوی‌ها، این مسأله کاملا پذیرفته شده بود که ما نمی‌توانیم مستقلا پیشرفت کنیم و برای توسعه و ترقی احتیاج داریم به این‌که تحت حمایت نظامی، صنعتی، علمی و اقتصادی دیگران باشیم. بنابراین در یک نگاه کلی آنها به خودشان و به ملت ایران به‌عنوان انسان‌های درجه دویی نگاه می‌کردند که نیازمند کمک انسان‌های درجه یک هستند. البته ناگفته نماند که این تفکر ریشه در ادوار پیش از پهلوی داشت. درواقع پس از شکست‌های سنگین ایران در جنگ با روسیه در اوایل دوران قاجار، دستگاه حاکم به این نتیجه رسید که ما برای قوی شدن در عرصه نظامی باید از مستشاران اروپایی کمک بگیریم. بدین ترتیب معاهداتی منعقد شد و مستشارانی از انگلیس و فرانسه به تناوب به ایران آمدند، که البته در عمل نفعی هم برای ما نداشتند. تنها اتفاق این بود که یک اصل در افکار عمومی ایرانیان اعم از حاکمان و مردم عادی جا افتاد و آن این‌که ما بسیار عقب افتاده و ناتوانیم و برای این‌که حرکتی رو به جلو داشته باشیم، نیازمند دیگران هستیم. در همین چارچوب بود که کسانی برای تحصیل علم به فرنگ اعزام شدند، که آنها هم به جای فراگیری علوم و انتقال آن به ایران، مقهور و مرعوب تمدن مغرب‌زمین شدند و به عوامل ترویج و تبلیغ لزوم وابستگی به غرب تبدیل گردیدند. البته در این میان، باید ذکری از امیرکبیر و اقدامات او به میان آورد که متأسفانه دولت مستعجل بود و در دریای فساد و تباهی دولت قاجاری غرق شد. بنابراین دوره قاجاری از ابتدا تا انتها تبدیل به دوره و تونلی شد که حاکمیت و جامعه ایرانی از این سر تونل وارد شد و از آن سر به‌صورت یک ملت مرعوب، وابسته، خودباخته، چپاول شده، فقیر و تحقیرشده خارج شد. در این دوره نفوذ روس‌ها و به‌خصوص انگلیسی‌ها در ایران به‌حدی رسید که اهم شئون نظامی، اقتصادی و سیاسی ایران را به‌دست گرفتند اما در پایان این دوره با وقوع انقلاب سوسیالیستی و خارج شدن روس‌ها از ایران، انگلیسی‌ها که خود را در این سرزمین بی‌رقیب یافتند، همزمان با خشکیدن و مرگ رژیم قاجاری، رژیم پهلوی را در ایران مستقر کردند. واقعیت این است که اگرچه حاکمیت به پهلوی منتقل شد اما تفکرات و رویه‌ها همان بود که در دوره قاجاریه وجود داشت. گذشته از آنچه در طول دوران حاکمیت رضاشاه در ایران روی داد که از جمله آنها اعطای امتیاز نفت به انگلیسی‌ها تا سال ۱۳۷۲ بود، تغییر رویکرد او از انگلیس به آلمان، بعد از قدرت‌گیری آلمان‌ها و سپس فتوحات چشمگیر آنها در اروپا با شروع جنگ جهانی دوم، این واقعیت را به‌خوبی آشکار ساخت که هیچ‌گاه تفکر استقلال و خودباوری نزد رضاشاه شکل نگرفت بلکه حداکثر افق دید و سقف تفکر او این بود که از زیر سلطه یک ارباب به زیر سایه ارباب دیگر و قوی‌تر نقل مکان کند. با رفتن رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضا، وضعیت به مراتب وخیم‌تر از گذشته شد چرا که او اینک سرنوشت پدر تبعیدی خود را در پیش رو داشت و با توجه به تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای، سلطه انگلیس و آمریکا بر ایران را بیش از هرزمان دیگری می‌دانست. بدین ترتیب با بر تخت نشستن چنین پادشاهی- که اتفاقا به‌لحاظ شخصیتی نیز بسیار متزلزل و خودباخته بود- راه برای سلطه همه‌جانبه اجانب بر ایران کاملا هموار گردید.

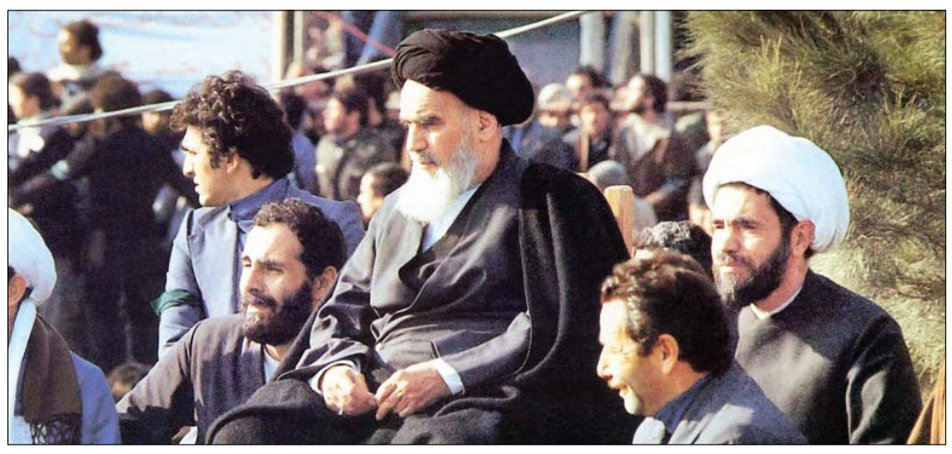

در میانه چنین دورانی و در کوران تاخت و تاز سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آمریکا و انگلیس، ایران شاهد ظهور و بروز امام خمینی است؛ یک عالم دینی برجسته که به‌خوبی و عمیقا آموزه‌های قرآنی و دینی و شیعی را فراگرفته و با ایمان و اعتقاد قلبی به آنها، در مسیر دفاع از جایگاه و عزت ملت مسلمان ایران گام گذاشته است. بدیهی است با نخستین حرکت‌های امام در سال ۴۱، زنگ‌های خطر برای حامیان غربی رژیم پهلوی به صدا درآمد و آنها را وادار به واکنشی تند و خشن علیه این حرکت کرد بلکه آن را در نطفه خفه کنند. سرکوب خونین نهضت امام خمینی در ۱۵ خرداد ۴۲، ناشی از چنین احساس خطری بود. این سرکوب اگرچه توانست به‌ظاهر جو پلیسی و خفقان را بر جامعه حاکم کند اما موفق به خارج کردن امام از مسیر مبارزه نشد چرا که حرکت بعدی ایشان در مخالفت با کاپیتولاسیون و سخنرانی به یاد ماندنی شان در محکومیت آن و دفاع جانانه از شأن و جایگاه و عزت ارتش و مردم ایران، موجی قوی از استقلال‌طلبی و استکبارستیزی را در حافظه تاریخی ملت ایران به یادگار گذاشت به‌گونه‌ای که حتی با تبعید امام به خارج کشور نیز این موج هرگز فرو نخوابید.

این آغاز دوران ۱۵ ساله‌ای بود که دو جبهه مستقل و وابسته، خودباور و ازخودبیگانه، عزت‌طلب و سلطه‌پذیر و در مجموع حق و باطل رویاروی یکدیگر صف‌آرایی کردند. در این سو، امام خمینی رهبری حرکت مخالفان با سلطه خارجی و وابستگی به بیگانه را در دست داشت و در آن سو شاه در رأس نیروهای سلطه‌پذیر و وابسته به خارجی حکم می‌راند. سرانجام این نبرد تاریخی به نفع جبهه استقلال‌طلبان و اسلام‌خواهان و خودباوران به پایان رسید. بی‌تردید نقش رهبری امام خمینی در این نبرد بزرگ و تاریخ‌ساز بسیار مهم بود که در اینجا، از میان مجموعه ویژگی‌های آن به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. ایمان و اعتقاد عمیق امام خمینی به اصول و مبانی اسلامی و مکلف دانستن خود برای حرکت در چارچوب این اصول. بنابراین امام به‌عنوان یک عالم دینی گام در مسیر مبارزه با پهلوی و آمریکا گذاشت و هرگز در طول این سال‌ها هیچ‌گونه تخطی از این اصول را برای خود و پیروانش مجاز ندانست.

۲. تأکید بر عزت و استقلال ملت مسلمان ایران و نفی هرگونه سلطه خارجی بر ایران و ایرانی. درواقع برخلاف سکه رایج در دوران پهلوی که خود را دنباله آمریکا در منطقه می‌دانست و حرکت در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا را به‌عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر پذیرفته بود و در عمل هم به این شیوه عمل می‌کرد، امام این وابستگی را موجب تباه شدن شأن و احترام و منافع واقعی ملت ایران می‌دانست. لذا این چیزی نبود که برای ایشان قابل تحمل باشد چرا که از نظر ایشان یک ملت مسلمان هرگز نباید زیردست و مقهور و دنباله‌رو اجنبی باشد.

۳. امام به توانمندی‌ها و استعدادهای شگرف نهفته در ملت ایران اعتقاد کامل داشت و معتقد بود آنچه مانع از ظهور و بروز این استعدادها گردیده، همان سلطه خارجی است که به‌خاطر منافع خود، به آنها اجازه شکفتن نمی‌دهد. این نگاه امام در تقابل کامل با دیدگاه حاکم بر رژیم پهلوی بود که ملت ایران را مستقلا قادر به ساختن حتی ساده‌ترین ابزار و وسائل هم نمی‌دانست و مسیر پیشرفت ایران را صرفا از طریق وابستگی به غرب میسر می‌دانست.

۴. شجاعت در مسیر مبارزه از دیگر ویژگی‌های امام بود. این در حالی بود که شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ خود را کاملا تحت حمایت آمریکا می‌دید و از این بابت در خود احساس قدرت می‌کرد. به‌علاوه این‌که دستگاه نظامی و پلیسی و امنیتی شاه نیز با حمایت آمریکا سازماندهی شده و قدرت زیادی یافته بود و این موجب می‌شد رژیم پهلوی از توان سرکوبگری بالایی برخوردار باشد. با این همه، امام هرگز در مسیر مبارزه با طاغوت، هرچند که ظاهر خوف‌انگیزی هم داشت، مرعوب نشد و همواره با شجاعت این مسیر را تا دستیابی به پیروزی نهایی ادامه داد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید.

متن کامل

ضرورت آشنایی بیشتر جوانان با اندیشه‌های امام راحل



شهاب‌الدین بنائیان
نویسنده و پژوهشگر

سالگرد ارتحال ملکوتی بنیان‌گذار کبیر و عالی‌قدر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره)، فرصت مغتنمی برای تکریم نقش اساسی و بی‌بدیل این «ابرمرد بزرگ تاریخ» در پیروزی نهضت عظیم اسلامی است. امام راحل با توکل به قدرت لایزال الهی و اعتماد به فطرت پاک مردم مؤمن ایران، انقلاب شکوهمندی را به پیروزی رسانید که طنین‌انداز صلای «توحید» در سراسر جهان شد. آن احیاگر و مجدد اسلام ناب محمدی در عصر معاصر، مروّج اندیشه‌ای الهی و باوری مقدس به آرمان‌های والای مکتب اسلام بود. تأسیس نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر تفکر مردم‌سالاری دینی، به‌مثابه شجره طیبه‌ای که رهبر فقید ما با آینده‌نگری و ژرف‌اندیشی، آن را غرس نمودند و برای تداوم حیات تابناکش، متحمل زحمات فراوان شدند، از ثمرات مجاهدت‌های مخلصانه این «پیر فرزانه روشن‌ضمیر» است. درس ماندگار امام امت به عصرها و نسل‌ها، ارائه آموزه‌هایی از مکتب سرخ عاشوراست. همان‌گونه که حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام، بر مبنای تکلیف سترگی که برعهده گرفتند، هرگونه کرنش و نرمش در برابر ستمگر را برنتافتند و با نثار خون مطهر خویش و یاران باوفای‌شان، نهال نوپای اسلام را آبیاری کردند، آنچنان که در وصف قیام سرخ آن حضرت فرمودند: «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء»، امام خمینی(ره) هم به سیره ستوده حضرت امام حسین(ع) تأسی نموده و با برافراشتن بیرق «هیهات منّا الذله»، بینی ایادی سرسپرده استکبار و مستکبران را به خاک مذلّت کشاندند. اینک با گذشت سال‌ها از عروج ملکوتی روح خدا به سوی جایگاه ابدی، جان‌های عاشق بسیاری در ایران و اقصی نقاط جهان، تشنه معارف گرانقدر و آشنایی با نظرات متعالی و ممتاز ایشان می‌باشند و وجود این حقایق، وظیفه ارادتمندان آن یگانه دوران را برای حفظ و نکوداشت میراث جاوید امام راحل(ره) در حوزه‌های گوناگون فکری، سیاسی، مذهبی و ... مضاعف می‌نماید. علی‌الخصوص لازم است برای نسل نوجو و نوجهان جوان و نوجوان که توفیق بزرگ معاصرت با امام خمینی(ره) و حضور در فضای معنوی معطّر به عطر حیات جسمانی حضرت روح الله(رض) را نداشتند و عطف به فضاسازی‌های دروغ رسانه‌های دیداری و شنیداری دشمن، ضرورت آشنایی آنان با مبانی سیره نظری و عملی امام راحل عظیم‌الشأن بیش از دیگر اقشار احساس می‌شود، تدبیری شایسته داشت و از جمله؛ ضمن گنجاندن بخش‌هایی از زندگانی و خاطرات مجاهدت‌های امام(ره) و پیشتازان صادق نهضت ایشان در متون درسی و هدایت عرصه افکار عمومی و حوزه محوری تربیت به پاسداشت فریضه واجب و فوری جهاد تبیین پیرامون افکار والای آن رهبر دوراندیش، این نسل نوخاسته را با امام و آرمان‌های عزت‌آفرینش بیشتر آشنا کرد و آفتاب حقیقت همیشه زنده تفکرات الهی او را در جهان خسته از ایسم‌ها و مکاتب غیرالهی، متجلی نمود.

امام خمینی(ره)
پدیده منحصربه‌فرد قرن بیستم



محمدرضا باهنر
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

امام خمینی(ره) به‌عنوان یک پدیده منحصر به‌فرد در اواخر قرن ۲۰ بود و فریاد آزادیخواهی بنیان‌گذار انقلاب همچنان در جهان بلند است به‌گونه‌ای که ایشان را یکی از چهره‌های بزرگ معاصر جهان می‌شناسند؛ شخصیتی که با دست خالی و تکیه بر اعتقادات مردم، نظام ۲۵۰۰ ساله مستبد شاهنشاهی را فروپاشید و از راه‌های مرسوم نیز استفاده نکرد. آنان که پیش از انقلاب حضور داشته‌اند یا تاریخ را مطالعه کرده‌اند، به یاد دارند که حضرت امام عمدتا با نبرد مسلحانه علیه طاغوت موافق نبودند و تکیه ایشان بر توده مردم بود. از سال ۱۳۴۲ که نهضت امام آغاز شد، ابتدا جمع معدودی از نخبگان دانشگاهی، دانشجویان انقلابی و طلاب و علمای انقلابی امام را همراهی کردند.

همان زمان امام می‌فرمودند که من از دو گروه بسیار رنج می‌برم، یک گروه که سست ایمان هستند و معتقد به جدایی دین از سیاست و گروه دیگر کسانی که اهتمامی به مسائل اجتماعی ندارند و هرفرد را به کار خود واگذار می‌کنند. حضرت امام از این دو گروه به‌شدت گلایه می‌کردند. در نهایت امام با همت بالایی که داشتند نهضت را پیش بردند و پس از انقلاب مشاهده شد که میلیون‌ها نفر به استقبال حضرت امام رفتند. اتفاقی که تا سال پایانی قبل از پیروزی انقلاب عمدتا محدود به نخبگان بود اما بعدا گسترده شد و اقشار مختلف مردم، کارمندان و حتی برخی نیروهای مسلح نیز حضور داشتند.

نکته دیگر این است که گاه پیش می‌آمد امام دستورات یا احکامی صادر می‌کردند که نزدیک‌ترین مشاوران ایشان نیز درک درستی از ابعاد و شجاعت این تصمیمات نداشتند. نمونه بارز آن قبل از ۲۲ بهمن بود که دولت بختیار حکومت نظامی اعلام کرد اما امام با صدور بیانیه‌ای فرمودند این حکومت غیرقانونی است و دستور دادند مردم به خیابان بیایند. این فرمان در نهایت به پایان حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی انجامید. نکته مهم بعد از پیروزی انقلاب این بود که مردم با گوشت و پوست و خون خود به نظام اسلامی رأی دادند. حضرت امام بلافاصله پس از پیروزی اعلام کردند که نوع حکومت را باید از مردم سؤال کرد. حتی اعضای شورای انقلاب و یاران نزدیک امام متعجب بودند که چرا باید پس از این همه فداکاری و حضور مردم، باز هم رفراندوم برگزار شود. در حالی که بسیاری از انقلاب‌ها و حکومت‌های جدید سال‌ها بدون رجوع به آرای مردم اداره می‌شدند. امام اما تأکید داشتند که حکومت اسلامی باید بر رأی مردم استوار باشد و جمله معروف «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد» سرلوحه قرار گرفت.

در همه‌پرسی، بیش از ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند و این همان هدفی بود که امام با مراجعه به آرای عمومی دنبال می‌کردند؛ یعنی اقدامات حکومت باید براساس رأی مردم باشد.

حضرت امام همواره فرموده‌اند مردم ولی‌نعمت ما هستند. این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند ما باشیم یا نباشیم، ما حاکم باشیم یا نباشیم. موضوع انتخابات و مراجعه به افکار عمومی نیز در همین راستاست. تاکنون شاید بیش از ۴۰ انتخابات سراسری در کشور برگزار و به‌طور مستمر از مردم خواسته شده که نماینده و رئیس جمهور خود را انتخاب کنند و حتی رهبر نیز با یک واسطه توسط مجلس خبرگان انتخاب می‌شود. اینها موضوعاتی بود که حضرت امام مطرح کردند و تا پیش از آن، کسی به این مسائل توجهی نداشت و هر یک راه خود را می‌رفتند. اگر بخواهم مقایسه‌ای داشته باشم، شاید عده‌ای نسبت به این مقایسه انتقاد کنند اما پیامبر اکرم(ص) پس از بعثت، ۱۳ سال در مکه بودند و ۱۰ سال در مدینه. آن ۱۳ سال را می‌توان دوران تکوین ملت دانست و در ۱۰ سال مدینه حکومت اسلامی را بنیان نهادند. حضرت امام(ره) نیز از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ به پرورش امت اسلامی پرداختند. همان‌گونه که عرض کردم، از تعداد بسیار اندک طرفداران حضرت امام، حمایت مردمی به میلیون‌ها نفر رسید و در ۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب نیز که در قید حیات بودند، حکومت اسلامی را تبیین و اجرا کردند. این موضوع، داستانی شگفت‌آور بود.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید.

متن کامل